

عنوان مقاله:

تعبیر عارفانه و عاشقانه گوی و چوگان در اشعار فارسی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی، دوره 9، شماره 31 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

معصومه شیرزادمرکابی - فرهنگ و زبان های باستان، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ایران

کیومرث مولادوست - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ایران

خلاصه مقاله:

هدف از این مطالعه بررسی تعبیر عارفانه و عاشقانه گوی و چوگان در اشعار فارسی است. شاعران در ادوار مختلف زبان و ادبیات فارسی، برای بیان مفاهیم و منویات درونی خود از تعبیرات گوناگون استفاده کرده اند و گاه برای بازگویی این مفاهیم از تعبیر و اصطلاحات رایج در زمانه خود سود جسته اند. بیان احساسات و عواطف شخصی شاعران گاه در مضامین عاشقانه و گاه عارفانه با واژه های گوی و چوگان نمود یافته است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی و به روش تاریخی است که با رویکرد تحلیلی انجام شده است. یافته های تحقیق نشان داد؛ اشعار فارسی سرشار از دو واژه گوی و چوگان است که در مضامین عاشقانه برای توصیف درازی زلف، ذقن، روی، خال معشوق و نیز توصیف تسلیم و بی ادعایی عاشق در برابر معشوق به کار رفته اند. در مضامین عارفانه نیز برای بیان تسلیم بودن و نیز به عنوان تمثیلی برای ترک هوس و خودبینی استفاده شده است. نمود واژه های گوی و چوگان در اشعار غنایی و بسیاری واژه های گوی و چوگان در ادبیات فارسی نشان دهنده میزان رواج این بازی در ادوار مختلف تاریخ ایران است و آشنایی شعرا با بازی چوگان می تواند ناشی از رواج این بازی در ایران باشد.

کلمات کلیدی:

ادبیات، گوی، چوگان، عارفانه، عاشقانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1248183>

